

«در حالی که در اکثر دانشگاه‌ها کمتر فعالیت

عملی به دانشجویان آموزش داده می‌شود و دانش‌جویان پس از فارغ‌التحصیلی وقتی با آنچه که آموخته‌اند با آنچه که بازار صنعت است روبرو می‌شود و آن موقع متوجه تلف کردن وقت خود شده‌اند، این طرح در شرایط فعلی، بهترین پیشنهادی است که بتوان در یک دوره ۲-۱ ساله آموزش‌های عملی را در شرایط واقعی یاد بگیرد.»
جزئیات طرح کارورزی فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهی اعلام شد.
علا‌الدین ازوجی مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت کار در گفت‌وگو با مهر، با تشریح جزئیات اجرای طرح کارورزی که به تازگی با هدف جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار از مقطع کارنامی تا مقطع دکتری از سوی وزارت کار اجرایی شده است، گفت: جامعه هدف اجرای این طرح، دانش‌آموختگان دانشگاهی گروه سنی ۲۳ ساله تا ۳۲ ساله (با احتساب ۳سال خدمت سربازی در همه رشته‌های دانشگاهی برحسب نیاز بنگاه‌های اقتصادی خصوصی و تعاونی هستند.

وی با بیان اینکه طرح کارورزی ذیل طرح کاج (کارآفرینی و اشتغال برای جوانان) در دستور کار دولت قرار گرفته است گفت: این طرح در سال گذشته در ۸ استان کشور به صورت آزمایشی اجرا شد و امسال به سراسر کشور تعمیم داده شده است که در این زمینه اخیراً و بعد از آغاز اجرای طرح، طی جلساتی تلاش کردیم تا نقاط ضعف طرح را شناسایی و نسبت به رفع آنها اقدام کنیم.

مشاور وزیر و مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت کار با اشاره به اینکه علاوه بر دانش‌آموختگان دانشگاهی، «کارفرمایان» و «واحدهای متقاضی جذب کارورز» نیز مخاطبان اجرای طرح کارورزی هستند گفت: در حال حاضر سامانه ثبت نام به نشانی karvazi.mcls.gov.ir برای کارورزان و واحدهای پذیرنده کارورزان فعال است که می‌توانند آمادگی خود را برای اشتغال یا جذب متقاضیان اعلام کنند.

ازوجی، دوره کارورزی را حداقل ۴ ماه و حداکثر ۶ ماه برای هر کارورز عنوان کرد و درباره نحوه جذب متقاضیان بیکار مشمول این طرح گفت: پس از گزارش‌گیری از اطلاعات ثبت شده در سامانه باید بر اساس یکسری شاخص‌ها، افراد حائز شرایط با در نظر گرفتن اولویت‌ها شناسایی و به میزان ظرفیت بنگاه‌ها و با در نظر گرفتن رشته تحصیلی فرد متقاضی از طریق وزارت کار به بنگاه اقتصادی مربوطه معرفی شوند.

**دستمزد کارورزان**

**یک سوم حداقل حقوق**

وی با بیان اینکه در قالب اجرای طرح کارورزی اشتغال سالانه ۱۵۰ هزار فارغ التحصیل بیکار هدف‌گذاری شده است، درباره حقوق کارورزان گفت: دستمزد-پس‌انداز به میزان یک سوم حداقل حقوق مصوب سال ۹۶ از سوی دولت پرداخت می‌شود که حدود ۳۱۰ هزار تومان برای هر فرد است.

وی با بیان اینکه واحدهای پذیرنده کارورزان هیچ تعهدی در قبال جذب قطعی کارورز در واحد مربوطه ندارند گفت: البته بر اساس گزارش‌های دریافتی ما از اجرای آزمایشی این طرح در سال گذشته، ۷۰ درصد کارورزان از سوی کارفرمایان جذب واحد مربوطه شدند.

مشاور وزیر کار همچنین از در نظر گرفتن مشوق‌های بیمه‌ای برای افزایش انگیزه

آموزش نیروی کار یکی از موضوعات مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف به شمار می‌رود. در ایران نیز آموزش‌های مهارتی به عنوان یک اولویت حساس و حیاتی در تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآفرین در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو سازمان «آموزش فنی و حرفه‌ای کشور» و «دانشگاه جامع علمی و کاربردی» به‌عنوان متولیان نظام آموزش مهارتی در کشور چند سالی است که به ارائه آموزش‌های مهارتی به کارجویان، دانشجویان و دانش‌آموختگان می‌پردازند.

**دانشگاه فنی و حرفه‌ای**

دانشگاه فنی و حرفه‌ای به عنوان یک دانشگاه مهارتی ذیل آموزش عالی فعالیت می‌نماید. این دانشگاه از سال ۱۳۹۰ با مجوز رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کار خود را آغاز نمود. در این دانشگاه ۷۰ درصد از شاغلان، کارگاهی و ۳۰ درصد دیگر نظری هستند. به سبب این سیستم آموزشی، دانش‌آموختگان دانشگاه علاوه برداشتن توانایی علمی، از مهارت‌های عملی و کاربردی لازم نیز برخوردارند و اکثراً در زمینه‌های مربوط به رشته تحصیلی خود جذب بازار کار می‌شوند. جامعه هدف این دانشگاه از فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه هنرستان‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین متقاضیان ورود به این دانشگاه باید در کنکور سراسری ویژه‌ای که هرساله توسط سازمان سنجش برگزار می‌شود، شرکت کنند.

یکی از اهداف مهم این دانشگاه تربیت کاربان و کارشناس فنی است. این کار ازآن‌جهت مهم است که می‌تواند به اشتغال و کارآفرینی دانش‌آموختگان کمک کند. از طرف دیگر نیز صنایع کشور از تکنسین‌هایی خیره بهره‌مند می‌شود. هدف دیگر این دانشگاه پاسخگویی به نیازهای صنایع در حوزه‌های مهارتی و تکنولوژیکی در سطح آموزش عالی است. همچنین فرصت‌سازی برای ارتقاء سطح دانش، مهارت و تحصیل دانش‌آموختگان دوره‌های متوسطه کار و دانش فنی و حرفه‌ای نیز هدف مهم دیگر این دانشگاه است.

**دانشگاه علمی و کاربردی**

دانشگاه جامع علمی و کاربردی یکی از دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که باهدف ارتقاء سطح مهارت شاغلین بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلانی که فاقد تجربه اجرایی هستند، تشکیل شده است. این دانشگاه با بهره‌گیری از منابع مادی و انسانی دستگاه‌های اجرایی، نسبت به برگزاری دوره‌های علمی و کاربردی در مقاطع کاردانی

## دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

# پیدا و پنهان طرح اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی



کارفرمایان برای جذب کارورزان خیر داد و گفت: برای افزایش احتمال جذب این افراد و ماندگاری آنها در محیط کار، در صورت جذب کارورزان در واحد و بنگاه اقتصادی مربوطه، دولت تا ۲ سال ۱۰۰ درصد حق بیمه کارفرما را پرداخت خواهد کرد. بدین ترتیب کارفرمایان تا ۲ سال از پرداخت حق بیمه در قبال کارورزان معاف خواهند بود.

**حامیان و منتقدان چه می‌گویند؟!**

اما این طرح از همان سال گذشته با حامیان و منتقدان سرسختی روبرو بوده است. رسانه‌ای شدن این پیشنهاد بر میگردد به آذرماه سال گذشته، این طرح بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی در قالب لایحه برنامه ششم توسعه می‌باشد و به این صورت است که فارغ التحصیلان دانشگاهی زیر ۲۳ سال، که سابقه بیمه ندارند در قالب طرح کارورزی می‌تواند در بنگاه‌های صنعتی و غیرصنعتی مشغول به کار شوند. و کارفرمایان می‌توانند تا حداکثر ۷۵ درصد و حداقل یک سوم دستمزد را به این افراد پرداخت کنند.

این پیشنهاد در همان ابتدا با واکنش‌هایی به خصوص از قشر کارگر مواجه شد. کارگران می‌گویند حداقل حقوق‌ها در ایران بسیار پایین است تا جایی که میلیون‌ها مشمول قانون کار در تامین معیشت خود دچار مشکلات فراوانی بوده و با مسائل جدی میشتی دست و پنجه نرم می‌کنند. بسیاری ماهیانه تنها ۷۱۲ هزارتومان دریافت می‌کنند و اگر بیمه هم باشند باید مبلغی از آن به منظور حق بیمه نیز کسر شود که دریافتی نهایی به زیر ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد.

کورش برند معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همان زمان با حضور در یک برنامه رادیویی در دفاع از این طرح می‌گوید: در حال حاضر ما با پدیده‌ای به نام بیکاری مواجه شدایم که نوع آن از ۱۰-۱۵ سال پیش متفاوت است. وی با ارائه آمارى از جمعیت غیرفعال کرده کشور و بیکاران فارغ‌التحصیلان ادامه می‌دهد: جمعیت در ایران به دو دسته فعال و غیرفعال تقسیم شده است، جمعیت فعال کشور چیزی در حدود ۲۳ میلیون نفر و جمعیت غیرفعال ما ۴۰ میلیون نفر است؛ اتفاقی که در جمعیت غیرفعال افتاده است این است که ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر این جمعیت دارای تحصیلات عالییه هستند، که این جمعیت برای نقش خاصی در توسعه کشور ندارند؛ از این تعداد دانش آموخته حدود ۴ و نیم میلیون دانشجو هستند، با این حساب نزدیک به

۹۶ (۹۲۰ هزار تومان) به خدمت بگیرند؛ و دولت علاوه بر این امکان، با پرداخت نیمی از دستمزد نیروی کار آنان از محل مالیات‌های عمومی (و لاجرم از محل کاهش هزینه‌های عمومی دولت در عرصه‌های مثل آموزش) به کسب سودآوری بیشتر آنان یاری می‌رساند.

منصور باقریان یکی دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران نیز می‌گوید: «برای جبران این کم کاری سیستم آموزش عالی، مسئولین کشور به جای اصلاح مشکلات، پیشنهاد می‌دهند دانشجویان فارغ التحصیل پس از پایان تحصیل، به کار رایگان برای دریافت رزومه بپردازند! گویا نه تنها مشکلات گذشته را نمی‌بینند و قصد اصلاح آن را ندارند بلکه علاقه‌تی نشان می‌دهند که با اقداماتی بی‌فکر، مشکلات را صد چندان کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «در شرایط موجود که هر روز شاهد مشکلات شدیدی در بخش‌های کارگری هستیم، ارائه چنین پیشنهادی، علاوه بر دانشجویان به نیروی کار رایگان و بی‌دردسر برای صنعت، باعث بوجود آمدن فشار شدید نیز به قشر کارگری کشور خواهد شد.»

احسان محمدی، فعال صنفی دانشجویی دانشگاه تهران نیز نظر دیگری دارد، وی معتقد است: «این بار نوبت به فارغ التحصیلان دانشگاهی رسیده است تا با ارزشی پایین و در خدمت به منافع بیگانه از هستی خود، برای نظام سرمایه‌داری کار کنند تا بیش از پیش شاهد انباشت سرمایه و نابودی هستی انسان باشیم. این بار نوبت به هم‌زمان با ایجاد اتحادیه‌های علمی و شرکتهای دانش‌جویان وابسته به وزارت علوم که در دانشگاه پایگاه‌های به ظاهر دانشجویی ایجاد کرده‌اند، در نشست‌های دولتی هم مسئله استفاده تمام و کمال از تحصیلکرده‌ها در چرخه اقتصادی نظام برسی و به شور و مشورت گذاشته می‌شود.»

بهشتی دیگر دانشجوی دانشگاه شاهد است،

وی البته این طرح وزارت را یک طرح متناسب با وضعیت فعلی آموزش عالی می‌داند: «در حالی که در اکثر دانشگاه‌ها کمتر فعالیت عملی به دانشجویان آموزش داده می‌شود و دانشجویان پس از فارغ التحصیلی وقتی با آنچه که آموخته‌اند با آنچه که بازار صنعت است روبرو می‌شوند و آن موقع متوجه تلف کردن وقت خود شده‌اند، این طرح در شرایط فعلی، بهترین پیشنهادی است که بتوان در دوره ۱-۲ ساله آموزش‌های عملی را در شرایط واقعی یاد بگیرد.»

این طرح شده است.

به گزارش خبرنگارمه دانشجویان، یکی از دانشجویان دانشگاه تهران در این باره می‌گوید: «تخت اینکه دستمزد کسب شده از مشاغل ایجاد شده تا چه میزان جوابگوی فارغ‌التحصیلانی است که پای را از مرزهای دانشگاه فراتر گذاشته و قصد زندگی مستقل از خانواده را دارند؟ جواب می‌توان در گزارش منتشره در خبرگزاری تسنیم به مورخ ۹۳ یافت: ۴۰۰ هزار تومان. مبلغی که تنها و تنها یک هفتم خط فقر را پوشش می‌دهد و مشخص نیست که قرار است کفاف کدام بخش از هزینه‌های جوانی که دهه سوم عمرش را می‌گذراند بدهد!»

پرسش دیگر اینکه در نهایت این طرح به نفع کدام گروه‌های اجتماعی است؟ پاسخ کارفرمایانی است که قرار است نیروی کار ارزان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به قیمتی معادل نصف حداقل حقوق

الته برخی دیگر کارشناسان دلایل دیگری را نیز برای مخالفت با ادغام ذکر می‌کنند که در ادامه می‌آید:

- دانشگاه فنی و حرفه‌ای به وسیله آموزش‌شده‌های خود به اجرایی آموزش می‌پردازد؛ حال اینکه دانشگاه علمی و کاربردی آموزش‌های خود را توسط سایر وزارتخانه‌ها، مؤسسات و دستگاه‌های اجرایی اعم از دولتی، عمومی و خصوصی پیگیری می‌نماید و نقش دانشگاه در این زمینه، سیاست‌گذاری، هدایت، کنترل و نظارت بر آموزش‌های علمی و کاربردی است.

عمده دانشجویان دانشگاه علمی و کاربردی را شاغلان دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، عمومی و خصوصی تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که پذیرش دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه‌ای صرفاً از بین فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های وزارت آموزش‌وپرورش است و نحوه پذیرش آن نیز توسط کنکور سراسری صورت می‌گیرد.
- کلیه امکانات و تجهیزات آموزش‌شده‌های دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دولتی است درحالی‌که بخش زیادی از امکانات و تجهیزات دانشگاه علمی و کاربردی، غیردولتی و متعلق به بخش عمومی یا خصوصی است.

- کلیه دانشجویان دانشگاه علمی و کاربردی در قبال تحصیل خود، شهریه پرداخت نمی‌نمایند درحالی‌که دانشگاه فنی و حرفه‌ای دولتی محسوب گردیده و دانشجویان آن از پرداخت شهریه معاف هستند.

در پایان و با توجه به صحبت‌های موافقان و مخالفان، باید گفت که دست است که این دانشگاه‌ها هر دو مهارتی هستند؛ لکن مهارتی بودن دلیل کافی برای ادغام آنها به نظر نمی‌رسد. موافقان ادغام، فقط به بند قانونی یکپارچه شدن این دانشگاه‌ها توجه کرده‌اند و اصول متفاوت حاکم بر آنها را در نظر نگرفته‌اند؛ اصولی که ریشه پیدایش دو دانشگاه را هم متمایز می‌نماید و انحراف از آن اصول باعث عدم کارکرد صحیح دو دانشگاه می‌شود. البته به دلیل در دسترس نبودن جزئیات طرح ادغام دو دانشگاه و نیز عدم اظهارنظر صریح تدوین‌کنندگان طرح، نمی‌توان به‌طور قطعی درباره این ادغام قضاوت نمود. لذا به نظر می‌رسد بررسی دقیق‌تر این مسئله در شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی خالی از فایده نباشد.

**فعلال دانشجویی و کارشناس علم و فناوری**

صفحه ۸  
چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۶  
۱۰ شوال ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۶۳

# موضع رهبری در برابر مهاجرت دانشجویان!

**اشاره: پیش‌تر وعده داده بودیم که به زودی در زمینه تحصیل نخبگان در خارج از کشور، سخنان کمتر شنیده شده رهبر انقلاب را منتشر کنیم که در آن به شکل جامع و مانع قفسیه را باز کرده و توضیحاتی داده‌اند و موضوع تا حد خوبی روشن می‌شود. احتمالاً بسیاری از دوستان، نخستین بار خواهد بود که این سخنان را خواهند دید.**

« با حضور رهبر انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر به تاریخ اسفندماه ۱۳۷۹ سوال زیر از ایشان مطرح شد:
«مسئله‌ای که این روزها در مطرح می‌شود، ولی عملاً مخاطبان واقعی کمتر به آن توجه می‌کنند، فرار مغزهاست. من نمی‌دانم چطور می‌توان از مهاجرت جوانان بااستعدادی که با این همه زحمات و تلاش تحصیل کرده‌اند، جلوگیری کرد. برای نمونه، من خودم در یکی از دانشگاه‌های پیشرو یعنی دانشگاه امیرکبیر و در سطح فوق لیسانس یکی از رشته‌های سنگین تحصیل کرده‌ام؛ اما با این همه تلاش علمی، هیچ کار مناسبی پیدا نمی‌کنم. مشکل فقط در نبود پارتی نیست؛ بلکه اصولاً کار مناسبی وجود ندارد. غالب شسرکت‌ها و کارخانه‌ها به یک سری تکنولوژی‌های قدیمی بسنده کرده‌اند و متولان امر که باید مدیریت کنند، مشغول باندداری و قدرت‌طلبی هستند. ما برای چه کسانی همت و تلاش کنیم؟ به نظر می‌رسد با استناد به آیات متعددی که در قرآن برای هجرت آمده، وظیفه ما برای سالم ماندن، رفتن است!»
و رهبری معظم اینگونه پاسخ دادند:

«این که گفته بشود برای سالم ماندن، ناچاریم برویم؛ نخیر، بنده این را قبول ندارم. سالم ماندن یعنی چه؟ شما خیال کرده‌اید که در خارج از کشور به مهاجران کشورهای دیگر چندان پهلای داده می‌شود؟ شما فکر می‌کنید در هر کشوری از این کشورها، ارزش و شخصیت و شرف شما را به عنوان یک جوان ایرانی رعایت خواهند کرد؟ شما پای صحبت‌ها و دردلد‌های کسانی که رفته‌اند، بنشینید تا ببینید چه می‌گویند<sup>(۱)</sup> انسان در خانه خودش بماند، برای خانواده خودش مفید باشد، سخت تلاش کند، همه همت خودش را به کار بگیرد، یک مقدار هم زندگی‌اش پایین‌تر باشد، این برای کسان و با وجدان به مراتب خرسندکننده‌تر و شادمان‌کننده‌تر است تا این که به یک کشور دیگر برود و به میهن و خانه خودش و به خاکی که او را پرورش داده و این استعداد و معلومات را به او داده و به همین دانشگاه امیرکبیری که شما شانه‌تان زیر بار او بول می‌دهند. این شد هجرت؟! هجرت اسلامی این است؟! نخیر، به هیچ وجه هجرت اسلامی این نیست؛ این «عرب بعد الحجره» است؛ این فرار کردن از میدان کار و مسئولیت و وظیفه و رفتن به جایی است که انسان می‌خواهد زندگی شخصی خودش را یک مقدار بهتر کند؛ من به هیچ وجه به این کار معتقد نیستم. البته من حق را به جوان‌های بااستعداد خودمان می‌دهم؛ این‌ها حق دارند انتظار داشته باشند و مسئولان



**این‌طور نیست که رفتن به خارج امتیازی محسوب شود؛ نه، مانند در اینجا امتیاز است. شما در خانه خود، برای مردم خود و برای خانواده خود کار می‌کنید؛ و این ارزش بسیار بالایی است. نخبگان از این ملت و از این کشورند و توقع ما این است که برای این ملت و این کشور هم باشند.**

## ۱

باید برای این‌ها کار کنند؛ در این تردیدی نیست؛ اما اگر آن‌ها کوه‌ای کرده‌اند، معنایش این نیست که جوان ما هم برای خودش توجیهی درست کند. البته اگر انسان برای افزایش معلومات به خارج از کشور برود و برگردد، با تحقیقی بکند و برگردد، این فرار نیست و اشکالی ندارد؛ اما این که انسان کوله‌بارش را ببندد و پشت کند و بگوید خداحافظ، ما رفتیم؛ نه، این را من قبول ندارم.»

این برای تحصیل به خارج از کشور- می‌روید مراقب باشید هويت ملی و فرهنگي خود را گم نکنيد مجموعه انجمن‌های اسلامی در هرجا مشغول فعالیت‌اند، در واقع این تکلیف را بر دوش خود احساس کرده‌اند که هويت اسلامی خود و آرمان‌های بلندی را که ملت ایران دارد، در وجود خود و دیگر دانشجویها زنده نگه دارند؛ این چیز بسیار مهمی است. بلای بزرگی که بر سر نسل‌هایی از جوانان کشور ما در دوره‌ای و در کشورهای دیگر آمده، این است که آن‌ها برای تحصیل علم به کشورهای دیگر رفته‌اند و چیزی هم یاد گرفته‌اند؛ اما یک چیز مهم‌تر را جا گذاشتند و فراموش کردند و آن، هويت فرهنگي و ملی خودشان بوده است. این‌ها به هر کشوری برگشتند، اگر چه عالم و از لحاظ علمی شاید مفید بودند؛ اما مثل یک بیگانه در کشور خود عمل کردند و نتوانستند به هدف‌های اساسی کشور و ملی خود خدمت لازم را بکنند. بسیاری از تحصیلکرده‌های در کشورهای اروپایی، در دوره‌های از کشور ما عمل وابستگی شدند؛ این به خاطر آن بود که این‌ها هويت خود را گم کردند.<sup>(۲)</sup>

مگر گفته‌ام که نخبگان توجه داشته باشند خود را از ملت طلبکار نمانند. ما به مسئولان مرتب سفارش می‌کنیم به نخبگان رسیدگی کنند؛ این‌ها سرمایه‌های و گنجینه‌های کشورند و البته باید به این‌ها رسیدگی شود؛ در این شکی نیست. یک مطلب این است که ما مسئولان باید خود را برای پشتیبانی، حمایت و دفاع از نخبگان مسئول بدانیم؛ اما حرف دیگر این است که ما بگوییم نخبگان خود را از ملت ایران و از کشورشان طلبکار بدانند؛ این دومی مطلقاً قبول نیست. همه ما بدهکاریم؛ بدهکار به این ملت، بدهکار به این تاریخ، بدهکار به نسل‌های آینده. کسانی که کشور را ترک می‌کنند و به خارج می‌روند، یک وقت می‌روند تا معلوماتشان را تکمیل کنند و برگردند، چه اشکالی دارد؟ این اصلاً مانهی ندارد. مثلاً در اینجا تئاری دارند- کارگاهی، وسیله کاری، تدرسی، دانشی، رتبه‌ای، استاد- این نیز در اینجا برآورده نمی‌شود؛ در فلان نقطه دنیا برآورده می‌شود بنابراین به آنجا می‌روند و استفاده می‌کنند و برمی‌گردند؛ این که مورد تأیید ما است، ما از این کار گله‌ای نداریم.

اما کسانی که کشور را رها می‌کنند و به پشت سرشان نگاه نمی‌کنند، این‌ها سودی نمی‌برند. این‌ها خانه خود را که مال خودشان است و همه آن‌ها را محلی و صاحبخانه می‌نمایند، رها می‌کنند؛ به نقطه‌ای می‌روند که اجیر شوند! اجیری و مزدوری است؛ مزدوری با پول زیاد؛ خیلی فرق می‌کند. در خانه خود زندگی کردن، در فضای خانه خود تنفس کردن، خود را صاحبخانه دانستن؛ این کجاست؟ این که یک ایرانی به فلان نقطه دنیا برود-مثلاً به استرالیا یا کانادا یا اروپا- گرم مرزی هم پیدا کند که در آن جا کار کند و حقوقی هم بگیرد؛ آن حقوق هم در برابر حقوقی باشد که در ایران خواهد گرفت؛ اما آن جا صاحبخانه نیست، همه او را بیگانه می‌دانند، کسی او را صاحب حق نمی‌داند، یا او احساس خوشایندی نمی‌کند؛ این کجاست؟ این‌طور نیست که رفتن به خارج امتیازی محسوب شده، نه، مانند در اینجا امتیاز است. شما در خانه خود، برای مردم خود و برای خانواده خود کار می‌کنید؛ و این ارزش بسیار بالایی است. نخبگان از این ملت و از این کشورند و توقع ما این است که برای این ملت و این کشور هم باشند. البته به مسئولان هم مرتباً سفارش می‌کنیم و بر خودمان هم لازم می‌دانیم که از این جماعت نخیه - که ذخایر کشورند- استفاده و حمایت کنیم.<sup>(۳)</sup>

مسئله خروج نخبگان از کشور- من چند بار تا حالا این را گفته‌ام - به‌طور مطلق موضوعی منفی نیست؛ زیرا ممکن است نخبه‌ای از کشور خارج شود و برآمد معلوماتی کسب کند و بعد برگردد و برای کشور مفید باشد. البته بهتر این است که ما آمادگی این انسان نخبه، اما او در خدمت فلان کارخانه‌دار یا آنچه را که از نظر رشد و شکوفایی استعداد لازم دارد، مهیا شود؛ کارگاه داشته باشد، محیط مادی علمی و تحقیقی داشته باشد؛ این بهترین است؛ اما اگر نشد، نخبگان بروند - فضای دنیا فضای وسیعی است - منتها این رفتن باید با حساب و کتاب انجام بگیرد؛ یعنی آن نخبه بماند که برای چه دارد می‌رود؛ چه می‌خواهد بکند و پس از آموزش آنچه را که لازم دارد، چه استفاده‌ای می‌خواهد از آن دانش بکند. آیا از آن دانش برای اعتلای کشور و برای پیشرفت ملی خودش و برای راه انداختن نخبگان دیگر کشورش می‌خواهد استفاده کند، یا نه، می‌خواهد آن را در خدمت یک کارخانه یا شرکت متعلق به یک سرمایه‌دار کاندایی یا آمریکایی یا اروپایی قرار دهد؟

این بزرگ‌ترین تحقیر یک انسان برجسته علمی است که تلاش کند، زحمت بکشد، کار کند و همه امکانات کشورش در واقع منتهی شود به خرید آمدن این انسان نخبه، اما او در خدمت فلان کارخانه‌دار یا فلان کمپانی‌ای هیچ‌چندان و هیچ فکرم نهد بشر فلان نقطه دنیا باشد و آن شخصی از این انسان نخبه به عنوان یک مهره و ابزار در مجموعه‌اش استفاده کند. یک انسان نخبه آن وقتی سرفراز و سربلند است که بتواند در بهبود اوضاع کشور و خانه و ملت خودش و بهبود زندگی و آینده و تاریخ انسان‌هایی که ذی حق نسبت به او هستند، نقش ایفا کند.<sup>(۴)</sup>

پی‌نوشت:

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، اسفند ۷۹
۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، اسفند ۷۹
۳- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمعی از دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا، مرداد ۸۱
۴- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، آبان ۸۳
۵- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، مهر ۸۳